

بررسی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در درس زبان امتحان جامع

چکیده

مجید احمدی*

گروه زبان انگلیسی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - دانشکده پیراپزشکی

زمینه و هدف: دبیرخانه علوم پایه پس از انجام امتحان جامع، دانشگاه‌های شرکت‌کننده در امتحان مذکور را برحسب نمرات دانشجویان در هر درس و نیز در کلیه دروس رده‌بندی می‌نماید. این پژوهش معتقد است که روش مورد استفاده در رده‌بندی دانشگاه‌ها در درس زبان روش درستی نیست و لذا نتایج صحیحی به دست نمی‌دهد. **روش بررسی:** هفت دانشگاه بزرگ و کوچک انتخاب شدند. نمرات زبان کنکور سراسری دانشجویان ورودی سال‌های تحصیلی ۸۰-۷۹، ۷۹-۱۳۷۸ و نیز نمرات زبان آنان در امتحان جامع دوره‌های مربوطه به ترتیب از دانشگاه‌های مذکور و دبیرخانه علوم پایه دریافت گردید. نمره‌های کنکور سراسری و امتحان جامع هر یک از دانشجویان با هم تطبیق داده شدند. **یافته‌ها:** میان نمره زبان کنکور سراسری و نمرات زبان امتحان جامع در مورد کلیه دانشگاه‌های مورد بررسی همبستگی معنی‌داری به میزان $0/27$ ($p < 0/045$) تا $0/69$ ($p < 0/004$) مشاهده گردید. به علاوه مشاهده شد علی‌رغم خواست دبیرخانه مبنی بر محاسبه نمره‌ها و رده‌بندی دانشگاه‌ها در دو گروه دانشگاه‌های کوچک و بزرگ، در بسیاری از دوره‌های امتحان جامع برخی دانشگاه‌هایی کوچک در کنار دانشگاه‌هایی بزرگ و بالعکس رده‌بندی شده‌اند. **نتیجه‌گیری:** همین امر موجب محدود شدن رده‌بندی دانشگاه‌های در درس زبان گردیده است. این پژوهش دو روش رده‌بندی پیشنهاد کرده است که می‌تواند این نقص موجود در رده‌بندی فعلی دانشگاه‌های در درس زبان را تا حدی رفع نماید.

کلمات کلیدی: وزارت بهداشت، امتحان جامع علوم پایه پزشکی، زبان انگلیسی، رده‌بندی دانشگاه‌های

*نویسنده مسئول، تهران، تجریش، میدان قدس، خیابان دربند، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. تلفن: ۲۲۳۵۲۲۲۰ email: mjahmadi@yahoo.com

مقدمه

می‌باشد. دبیرخانه شورای آموزش علوم پایه پس از تصحیح اوراق امتحانی و تعیین نمرات استاندارد و میانگین برای دانشجویان هر دانشگاه در مجموع و نیز در تک‌تک دروس، ضمن ارسال نتایج به دانشگاه‌های مربوطه، آنان را بر اساس نمرات استاندارد و در صورت برابر بودن نمرات استاندارد بر اساس نمرات میانگین، رتبه‌بندی می‌نماید.^۱ (رتبه بندی دانشگاه‌های براساس نمرات استاندارد تقریباً همیشه با رتبه بندی آنان براساس نمرات میانگین یکسان بوده است) این رتبه‌بندی یک بار بر مبنای معدل کلیه دروس و بار دیگر بر مبنای تک تک دروس انجام می‌گیرد. در ضمن دبیرخانه از همان دوره‌های نخست این آزمون به منظور جلوگیری از قرار گرفتن دانشگاه‌هایی کوچک در کنار دانشگاه‌هایی بزرگ در یک رقابت علمی، کلیه دانشگاه‌هایی شرکت‌کننده در آزمون را به دو گروه دانشگاه‌هایی با "بیش از ۵۰ داوطلب" و دانشگاه‌هایی "با ۲۰ تا ۵۰ داوطلب" تقسیم

طبق مصوبه ستاد عالی شورای انقلاب فرهنگی و سی و یکمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی، کلیه دانشجویان پزشکی که تمام واحدهای درسی علوم پایه پزشکی، بهداشت، زبان انگلیسی و روانشناسی را گذارنده باشند (که معمولاً ۲/۵ سال تحصیلی به طول می‌انجامد) موظف هستند در امتحانی به نام امتحان جامع علوم پایه پزشکی که سالی دو بار (در شهریور و اسفند ماه) به وسیله دبیرخانه شورای آموزش علوم پایه پزشکی در معاونت آموزشی وزارت بهداشت برگزار می‌شود شرکت نمایند. ادامه تحصیل این دانشجویان در دوره بالاتر یعنی در دوره فیزیوپاتولوژی منوط به قبولی در این امتحان می‌باشد.^۱ هدف وزارت بهداشت از این امتحان در اصل "ارتقاء سطح علمی علوم پایه پزشکی و هماهنگی و یکنواختی کیفیت آموزش پزشکی در کلیه دانشگاه‌های و دانشکده‌های علوم پزشکی"

میان دو نمره زبان کنکور سراسری و امتحان جامع دانشجویان شرکت‌کننده هر دانشگاه در دوره‌های ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ امتحان جامع محاسبه گردید. در پایان نظام رتبه‌بندی فعلی دانشگاه‌ها در درس زبان امتحان جامع با دو روش رتبه‌بندی پیشنهادی این پژوهش مقایسه شدند و نکات مثبت و منفی هر یک مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

الف: نمرات زبان کنکور سراسری و امتحان جامع ۱۴۹۶ دانشجویان از هفت دانشگاه علوم پزشکی مورد مقایسه و بررسی نهائی قرار گرفت و میانگین نمرات آنان در دو آزمون فوق به تفکیک هر دوره امتحان جامع (رویهم چهار دوره ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹) در جدولی تهیه و ارائه گردید (جدول ۱). ب: میان نمرات زبان کنکور سراسری و امتحان جامع دانشجویان دانشگاه‌هایی مورد بررسی همبستگی معنی‌داری (به جز یک مورد) مشاهده شد (جدول ۱) میزان آن برحسب دانشگاه و دوره امتحان جامع از ۰/۲۷ ($p < ۰/۰۴۵$) تا ۰/۶۹ ($p < ۰/۰۰۴$) متغیر بود. ج: با وجود اینکه دبیرخانه آموزش علوم پایه از همان دوره‌های اول آزمون، دانشگاه‌هایی شرکت‌کننده در آزمون را به دو گروه دانشگاه‌هایی با "بیش از ۵۰ داوطلب" و دانشگاه‌هایی با "۲۰ تا ۵۰ داوطلب" تقسیم نموده و نمره‌ها و رتبه‌بندی‌ها را نیز در هر یک از این دو گروه به طور جداگانه محاسبه کرده است تا از این طریق از قرار گرفتن دانشگاه‌هایی کوچک و محروم در کنار دانشگاه‌هایی بزرگ در یک رقابت علمی جلوگیری کند، در بسیاری از دوره‌های امتحان جامع (برای مثال دوره‌های ۲۴، ۲۶، ۲۸ و ۳۰) دانشگاه‌هایی کوچک و محرومی نظیر دانشگاه‌هایی زاهدان، قزوین، زنجان، ارومیه، بابل، همدان ... به علت داشتن بیش از ۵۰ داوطلب ناگزیر شدند در کنار دانشگاه‌هایی بزرگی چون تهران، شهید بهشتی، ایران، شیراز و غیره به رقابت پردازند و برعکس در دوره‌هایی نیز (نظیر دوره‌های ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۱) دانشگاه‌هایی بزرگی نظیر علوم پزشکی شیراز، مشهد، تبریز، گیلان به علت کمی تعداد داوطلبان خود در آزمون جامع، ناچار شدند در گروه دانشگاه‌هایی با ۲۰ تا ۵۰ داوطلب در کنار دانشگاه‌هایی محرومی چون سمنان، بیرجند، اردبیل، زنجان، زاهدان قرار گرفته و به رقابت پردازند. د: در طی بررسی مشاهده گردید که در طول سال‌ها که از برگزاری امتحان جامع می‌گذرد (از سال ۱۳۶۷ تاکنون) رتبه اول

نموده و نمره و رتبه‌بندی‌ها را نیز در هر یک از این دو گروه به طور جداگانه محاسبه کرده است. این رتبه‌بندی گرچه در اصل جزئی از اهداف اولیه برگزاری امتحان جامع نبوده است معهدا برای بسیاری از دانشگاه‌های بسیار حائز اهمیت می‌باشد به طوری که هرگاه دانشکده‌ایی مقام‌های اول، دوم و یا سوم را در یک یا چند درس و یا در مجموع دروس در میان کل دانشگاه‌هایی شرکت‌کننده احراز نماید آن دانشکده و یا گروه‌های آموزشی مربوطه نه تنها به وسیله مدیریت دانشگاه مورد تقدیر خاص قرار می‌گیرد بلکه در میان دانشگاه‌های دیگر نیز برای خود اعتبار ویژه‌ای کسب می‌نماید. مسئله‌ای که این مقاله قصد طرح آنرا دارد در همین نکته اخیر نهفته است و به طور خاص مربوط می‌شود به روش رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در آزمون زبان انگلیسی امتحان جامع و این‌که آیا این رتبه‌بندی صحیح است یا خیر؟

روش بررسی

در این پژوهش از روش مطالعه توصیفی (descriptive) و تحلیلی (analytical) استفاده شده است. ابتدا هفت دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران، شهید بهشتی، شیراز، کرمان، زنجان و بندرعباس به عنوان نمونه از دانشگاه‌های بزرگ (پنج دانشگاه نخست) و دانشگاه‌های کوچک و محروم (دو دانشگاه اخیر) انتخاب شدند. سپس نمره زبان کنکور سراسری دانشجویان ورودی به هر یک از دانشگاه‌های مذکور در سال‌های تحصیلی ۷۹-۷۸ و ۸۰-۷۹ که مجموعاً ۱۷۲۰ نفر می‌شدند از آنها گرفته شد. آنگاه نمره زبان آنان در امتحان جامع دوره‌های مربوطه (دوره‌های ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹) و نیز رتبه‌های هر دانشگاه در درس زبان در هر یک از این دوره‌ها از دبیرخانه شورای آموزش علوم پزشکی دریافت گردید. نمره‌های زبان امتحان جامع از آنجا که در دوره‌های مذکور به صورت صفر تا ۱۴، ارائه شده بودند جهت سهولت مقایسه با نمره‌های کنکور سراسری به سیستم صفر تا صد تبدیل شدند و بعد با نمره زبان کنکور سراسری تک‌تک دانشجویان تطبیق داده شدند. در نهایت رویه‌م ۱۴۹۶ جفت نمره زبان امتحان جامع و کنکور سراسری جهت بررسی باقی ماند. از نمره‌های کنکور سراسری هر دانشگاه به تفکیک هر نیمسال و یک سال تحصیلی میانگین گرفته شد و با میانگین نمره زبان امتحان جامع دوره مربوط مقایسه گردید. سپس با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون (piersons correlation coefficient) وجود یا عدم وجود همبستگی

جدول ۲- رتبه‌بندی هفت دانشگاه مورد بررسی در مقایسه با یکدیگر: الف: بر مبنای تفاوت میان میانگین نمرات زبان کنکور سراسری و امتحان جامع دوره ۲۶ امتحان جامع (اسفند ۱۳۸۰)، ب: بر مبنای میانگین نمرات زبان امتحان جامع (روش فعلی) (در دوره ۲۶ امتحان جامع)

نام دانشگاه‌های علوم پزشکی	تهران	شهید بهشتی	ایران	شیراز	کرمان	زنجان	بندرعباس
میانگین نمره زبان کنکور سراسری	۷۸/۱۶	۸۱/۱۵	۷۹/۸۰	۷۹/۶۵	۷۵/۲۱	۷۰/۷۰	۶۳/۱۸
میانگین نمره زبان امتحان جامع	۷۷/۹۲	۶۹/۶۴	۵۹/۹۲	۷۰/۳۵	۶۳/۳۵	۴۵/۷۸	۴۶/۶۴
تفاوت بین دو نمره میانگین	۹/۲۴	۱۱/۵۱	۱۹/۸۸	۹/۳	۱۱/۸۶	۲۴/۹۲	۱۶/۵۴
رتبه بر اساس تفاوت میان دو میانگین فوق	۱	۳	۶	۲	۴	۷	۵
رتبه بر اساس نمره امتحان جامع (روش موجود)	۱	۳	۵	۲	۴	۷	۶

آزمون زبان در امتحان مذکور معمولاً در اختیار دانشگاه علوم پزشکی تهران و رتبه‌های دوم، سوم و چهارم نیز در اختیار ۴-۵ دانشگاه بزرگ دیگر نظیر دانشگاه‌های شیراز، اصفهان، شهید بهشتی و مشهد بوده است.^۳ این در حالی است که تعداد دانشگاه‌هایی شرکت‌کننده در امتحان جامع اغلب به بیش از ۳۰ دانشگاه می‌رسیده است.

زبان به خود اختصاص دهند و دانشگاه‌هایی کوچک و محروم نیز از آنجا که غالباً دانشجویان با دانش زبانی متوسطی در آنها مشغول به تحصیل می‌شوند (جدول‌های ۱ و ۲) حتی اگر تلاش بسیاری هم جهت تقویت زبان دانشجویان خود نمایند به ندرت بتوانند رتبه‌های بالای امتحان جامع را احراز نمایند. برای مثال در آزمون جامع دوره ۲۸ (مربوط به ورودی‌های نیمسال اول سال تحصیلی ۷۹-۸۰) میانگین نمره‌های زبان کنکور سراسری دانشجویان شرکت‌کننده از دانشگاه‌هایی تهران و کرمان به ترتیب ۹۱/۱۹ و ۷۶/۹۹ بود، یعنی با فاصله‌ای حدود ۱۵ نمره (جدول ۱) آیا با چنین فاصله‌ای رقابت دانشجویان دانشگاه کرمان با دانشجویان دانشگاه تهران در درس زبان می‌تواند رقابتی عادلانه باشد؟ حتی اگر تصور کنیم که گروه‌های زبان هر دو دانشگاه از هر جهت دارای امکانات آموزشی برابری باشند (که قطعاً این طور نبوده است) و به یک اندازه هم برای آموزش زبان به دانشجویان خود تلاش کرده باشند باز هم احتمال بسیار کمی وجود دارد که دانشجویان دانشگاه کرمان قادر شوند به راحتی از این فاصله ۱۵ نمره‌ای گذر کرده و در آزمون جامع رتبه بالاتری را نسبت به دانشگاه تهران کسب نمایند که همین طور هم شد و در دوره مذکور رتبه اول نصیب دانشگاه تهران گردید و رتبه هفتم هم نصیب دانشگاه کرمان. از این نمونه‌ها در طول ۳۲ دوره امتحان جامع فراوان دیده می‌شود؛ تازه دانشگاه کرمان از دانشگاه‌های محروم هم محسوب نمی‌شود و امکانات آموزشی آن نسبت به دانشگاه‌های کوچک‌تری نظیر دانشگاه‌های بابل، قزوین، زنجان و همدان و ... تا حدی بهتر است. تصور کنید اگر یکی از دانشگاه‌های مذکور تصادفاً به علت زیاد بودن دانشجویان داوطلب آن در آزمون جامع ناچار شود در گروه دانشگاه‌های "با بیش از ۵۰ داوطلب" نظیر دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، شیراز قرار گیرد چه رتبه‌ای کسب خواهد نمود که نمونه‌ای از

آزمون زبان در امتحان مذکور معمولاً در اختیار دانشگاه علوم پزشکی تهران و رتبه‌های دوم، سوم و چهارم نیز در اختیار ۴-۵ دانشگاه بزرگ دیگر نظیر دانشگاه‌هایی شیراز، اصفهان، شهید بهشتی و مشهد بوده است.^۳ این در حالی است که تعداد دانشگاه‌هایی شرکت‌کننده در امتحان جامع اغلب به بیش از ۳۰ دانشگاه می‌رسیده است.

بحث

علی‌غم اقدام وزارت بهداشت به تقسیم دانشگاه‌هایی شرکت‌کننده به دانشگاه‌هایی کوچک و بزرگ و محاسبه نمره و رده‌بندی آنها به طور جداگانه در هر یک از این دو گروه، اما از آنجا که این تقسیم‌بندی صرفاً براساس کمی یا زیادی تعداد دانشجویان معرفی شده هر دانشگاه به این آزمون بود و نه براساس بزرگی و کوچکی و یا محرومیت و عدم محرومیت آنان از امکانات آموزشی لذا موجب گردید در بسیاری از دوره‌ها به دلایلی که در بالا ذکر شد دانشگاه‌های کوچک و بزرگ، محروم و غیر محروم در یک گروه قرار گیرد و نتایج و رده‌بندی آنها نیز در همان گروه محاسبه گردد (رجوع شود به بخش یافته‌ها بند ج) حاصل این درهم آمیزی و کنار هم قرار گرفتن دانشگاه‌های بزرگ و کوچک، محروم و غیر محروم در یک رقابت علمی در درس زبان این گردیده است که دانشگاه‌هایی بزرگ از آنجا که دانشجویان جذب شده به آنها غالباً در بدو ورود به دانشگاه دارای دانش زبانی بهتری نسبت به دانشگاه‌هایی کوچک هستند. (جدول ۱) حتی اگر در طول دو سال و نیم اول تحصیل (تا زمان امتحان جامع) نیز تلاش چندانی برای آموزش و تقویت زبان آنان صورت نگیرد به علت وجود همبستگی مثبت میان نمرات زبان کنکور سراسری و امتحان جامع باز هم بتوانند در مقابل رقبای کوچک‌تر و ضعیف‌تر خود رتبه‌های بالای آزمون جامع را در درس

دانشگاه‌هایی بزرگ قرار گیرند و به کسب رتبه‌های پائین تن در دهند. این نوع تقسیم‌بندی گر چه از تقسیم‌بندی دانشگاه‌های به دو گروه "با بیش از ۵۰ داوطلب" و "با ۲۰ تا ۵۰ داوطلب" بهتر است ولی دارای ایرادی نیز می‌باشد و آن این است که سطح زبان دانشجویان ورودی به برخی از دانشگاه‌های هر یک از این سه تیپ تفاوت بارزی با سطح زبان دانشجویان ورودی دیگر دانشگاه‌هایی همان تیپ دارد. برای مثال در میان دانشگاه‌هایی تیپ یک در طول هفده سال گذشته یعنی از آغاز برگزاری امتحان جامع تا کنون دیده شده است که میانگین نمره زبان کنکور سراسری دانشجویانی که به عنوان دانشجوی پزشکی جذب دانشگاه علوم پزشکی تهران گردیده‌اند همیشه از میانگین نمره زبان دانشجویان ورودی دیگر دانشگاه‌های بیشتر بوده است و یا سطح زبان دانشجویان پزشکی که در دانشگاه‌های کرمان و اهواز به تحصیل مشغول بوده‌اند همیشه از سطح زبان دانشجویان برخی از دانشگاه‌های تیپ یک نظیر دانشگاه‌های شهید بهشتی، ایران، شیراز، پائین‌تر بوده است. به عبارت دیگر رقابت در امتحان جامع حتی در میان دانشگاه‌های یک گروه (تیپ) خاص نیز نمی‌تواند کاملاً عادلانه باشد چرا که حتی اگر برای مثال به دانشجویان همه دانشگاه‌های مشمول تیپ یک در طول ۲/۵ سال اول تحصیل به طور مساوی و یکسان زبان انگلیسی آموزش داده شود چون دانش قبلی دانشجویان ورودی هر یک از این دانشگاه‌ها در زبان با دانشجویان دیگر دانشگاه‌های همان تیپ تفاوت بارزی دارد لذا نتیجه امتحان زبان آنها در امتحان جامع نیز به‌طور بارزی متاثر از این دانش قبلی خواهد بود و در نتیجه رتبه حاصل نیز نمی‌تواند نشانگر صحیح تلاش گروه‌های زبان دانشگاه‌ها در آموزش زبان به دانشجویان در طول ۲/۵ سال اول تحصیل آنان باشد. پیشنهاد دوم که فاقد ایراد پیشنهاد اول می‌باشد این است که اصولاً هر گونه تقسیم‌بندی دانشگاه‌ها کنار گذارده شود و کلیه دانشگاه‌های شرکت‌کننده در یک گروه در نظر گرفته شوند و رتبه‌بندی آنها در درس زبان امتحان جامع در هر دوره نیز صرفاً بر اساس میزان تلاش هر دانشگاه در آموزش زبان به دانشجویان خود در فاصله زمانی میان زمان ورود دانشجویان به دانشگاه و زمان امتحان جامع انجام گیرد و این میزان تلاش را نیز می‌توان با محاسبه تفاوت میان میانگین نمرات زبان کنکور سراسری مجموع دانشجویان شرکت‌کننده در آزمون جامع آن دانشگاه و میانگین نمره زبان امتحان جامع آنان محاسبه کرد. بدین

این اتفاق حضور دانشجویان دانشگاه زنجان با میانگین زبان کنکور سراسری ۷۰/۷۰ در کنار دانشجویان دانشگاه تهران با میانگین نمره کنکور ۸۷/۱۶ در امتحان جامع دوره ۲۶ (اسفند ۱۳۸۰) بود (جدول ۱) که حاصل این رقابت نیز تقریباً از قبل مشخص بود. دانشگاه تهران در درس زبان رتبه اول را کسب نمود و دانشگاه زنجان رتبه نوزدهم. این نوع رقابت را می‌توان مقایسه کرد با رقابت یکی کشتی گیر سنگین وزن با یکی کشتی گیر سبک وزن که برنده و بازنده آن تقریباً از قبل معلوم است، بدیهی است که تشویق کردن فرد برنده به هر نوعی در چنین رقابت نابرابری کار چندان منصفانه‌ای نیست. البته از بیان گفته‌های فوق به هیچوجه قصد این نیست که اهداف اصلی امتحان جامع که همان ارتقاء سطح علمی علوم پایه پزشکی و ایجاد هماهنگی و یکنواختی در کیفیت آموزش پزشکی در کلیه دانشگاه‌های و دانشکده‌های علوم پزشکی است مورد سؤال و تردید قرار گیرد، بلکه منظور از این نوشته صرفاً نشان دادن نقائص رتبه‌بندی فعلی دانشگاه‌ها در درس زبان امتحان جامع و ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح آن می‌باشد. به جای تقسیم‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس تعداد دانشجویان شرکت‌کننده آنها در امتحان جامع به دو گروه "با بیش از ۵۰ داوطلب" و "با ۲۰ تا ۵۰ داوطلب" و محاسبه و ارائه نتایج و رتبه‌ها در چهار چوب این دو گروه بهتر است ابتدا دانشگاه‌ها بر حسب امکانات آموزشی‌شان تقسیم‌بندی شوند، به همان صورتی که تاکنون در وزارت بهداشت معمول بوده است. (البته در حال اصلاح می‌باشد) یعنی تقسیم دانشگاه‌های به دانشگاه‌هایی تیپ یک (شامل دانشگاه‌هایی علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، ایران، شیراز، مشهد، تبریز، اهواز، اصفهان و کرمان)، دانشگاه‌هایی تیپ دو (شامل دانشگاه‌هایی علوم پزشکی زنجان، اردبیل، همدان، یزد، کرمانشاه، زاهدان، ارومیه، قزوین، بندرعباس، بابل، گلستان، کاشان، سمنان، اراک، رفسنجان و بیرجند) و دانشگاه‌هایی تیپ سه یعنی دانشگاه‌هایی بسیار محروم (شامل دانشگاه‌هایی شهرکرد، بوشهر، ایلام، کردستان، لرستان، یاسوج، فسا، جهرم، سبزوار، گناباد، شاهرود، قم و زابل)^۴ و سپس نمرات زبان دانشجویان در چهار چوب هر یک از این گروه‌ها یا تیپ‌ها به طور جداگانه محاسبه و رتبه‌بندی شوند. این نوع تقسیم‌بندی که بیشتر مبتنی است بر هر چه بیشتر داشتن و یا نداشتن امکانات آموزشی دانشگاه‌ها، لاقلاً مانع از این خواهد شد که دانشگاه‌هایی محروم و کوچک ناگزیر شوند گهگاه در گروه

صورت که ابتدا معدل نمرات زبان کنکور سراسری کلیه دانشجویان شرکت‌کننده در امتحان جامع هر دوره به عنوان دانش‌زبانی آنان در بدو ورود به دانشگاه در نظر بگیریم سپس معدل نمره زبان همان دانشجویان در امتحان جامع را نیز به عنوان دانش فعلی آنان در زبان در زمان امتحان جامع محاسبه نماییم. آنگاه معدل اخیر را از معدل نمره زبان کنکور سراسری کسر کنیم نمره به دست آمده می‌تواند به عنوان حاصل تلاش مجموع مدیریت دانشگاه، دانشکده و گروه زبان هر دانشگاه در آموزش زبان به دانشجویان و نیز حاصل تلاش خود دانشجویان در یادگیری زبان در طول دو سال و نیم اول تحصیل تا امتحان جامع تلقی گردد. البته عملاً دیده شده است که میانگین نمره زبان امتحان جامع که معمولاً به صورت از صفر تا ۱۴ محاسبه و ارائه می‌گردد (در صورت تبدیل آن به سیستم صفر تا صد) در مورد همه دانشگاه‌ها همیشه از میانگین نمره کنکور سراسری کمتر بوده است. تفاوت و فاصله این دو نمره هر چه قدر کمتر باشد یا به عبارت دیگر معدل نمره زبان امتحان جامع هر چه به معدل نمره زبان کنکور سراسری نزدیک‌تر باشد نشانه‌ای است از تلاش بیشتر گروه زبان و اساتید مربوطه در تقویت دانش‌زبانی دانشجویان و نیز نشانه‌ای است از تلاش خود دانشجویان در افزایش و تقویت زبان انگلیسی خود و بر عکس هر چه این تفاوت و فاصله بیشتر باشد مبین آن است که هم گروه زبان و اساتید مربوطه در تقویت زبان دانشجویان کم‌کاری کرده‌اند و هم خود دانشجویان چندان تلاشی برای تقویت زبان از خود نشان نداده‌اند. رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر این اساس می‌تواند بدین صورت انجام گیرد که هر چه تفاوت و فاصله میان معدل نمرات کنکور سراسری و امتحان جامع کلیه دانشجویان شرکت‌کننده در امتحان جامع هر دانشگاه نسبت به دانشگاه‌های دیگر کمتر باشد رتبه بالاتری را احراز خواهند نمود. برای مثال: چنانچه امتحان جامع دوره ۲۶ را که عمدتاً با شرکت دانشجویان ورودی نیمسال اول سال تحصیلی ۷۸-۷۹ انجام شد در نظر بگیریم و از میان دانشگاه‌های شرکت‌کننده هفت دانشگاه مورد بررسی این طرح یعنی دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، ایران، شیراز، کرمان، زنجان و بندرعباس را مدنظر قرار دهیم، رتبه‌های این هفت دانشگاه نسبت به یکدیگر طبق روش فوق به صورت زیر خواهد بود: دانشگاه ع.پ. تهران با ۹/۲۴ نمره فاصله میان میانگین نمره زبان کنکور سراسری و امتحان جامع رتبه اول، شیراز با ۹/۳۰ نمره فاصله رتبه دوم، شهید

بهشتی با ۱۱/۵۱ نمره فاصله رتبه سوم، کرمان با ۱۱/۸۶ نمره فاصله رتبه چهارم، بندرعباس با ۱۶/۵۴ نمره فاصله رتبه پنجم ایران با ۱۹/۸۸ نمره فاصله رتبه ششم و زنجان با ۲۴/۹۲ نمره فاصله در ردیف هفتم قرار خواهند گرفت. (جدول ۲). در رتبه‌بندی فوق که رتبه‌ها صرفاً بر اساس میزان تلاش و موفقیت دانشگاه‌ها در ارتقاء سطح زبان دانشجویان در دو سال و نیم اول تحصیل آنان تعیین می‌شود و نه صرفاً بر اساس دانش‌زبانی آنها در موقع امتحان جامع، مشاهده می‌گردد که تلاش دانشگاه ع.پ. بندرعباس که دانشگاهی است کوچک و دورافتاده از تپ ۲ به طور قابل توجهی از میزان تلاش دانشگاه ع. پ. ایران که دانشگاهی است بزرگ و با امکانات بسیار (از تپ ۱) بیشتر بوده است. و یا اینکه دانشگاه ع.پ. شیراز با اینکه دانشجویان آن در بدو ورود به دانشگاه در مقایسه با دانشجویان دانشگاه ایران دارای دانش‌زبانی یکسانی بوده‌اند و حتی میانگین نمره زبان آنان در کنکور سراسری (۷۹/۶۵) اندکی نیز از میانگین دانشجویان دانشگاه ع.پ. ایران (۷۹/۸۰) کمتر بوده است معهداً دانشجویان این دانشگاه در درس زبان امتحان جامع نمره ۷۰/۳۵ را کسب نمودند که به مقدار ۱۰/۴۳ نمره از میانگین نمره زبان دانشجویان دانشگاه ایران (با میانگین ۵۹/۹۲) بیشتر است (جدول ۲) که این بی‌شک نشانه ایست از تلاش بیشتر اساتید و گروه زبان دانشگاه شیراز در آموزش زبان به دانشجویان خود و نیز کیفیت برتر کار گروهی آنان. یکی از اهداف اصلی امتحان جامع تا کنون این بوده است که میزان موفقیت دانشجویان پزشکی در یادگیری دروس مختلف علوم پایه در طول ۲/۵ سال اول تحصیلی آنان را ارزشیابی نماید و در صورت قبولی به آنان اجازه ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر (فیزیوتراپیولوژی) را بدهد. به همین جهت امتحان جامع را می‌توان به تعبیری نوعی امتحان موفقیت achievement test تلقی نمود. رده‌بندی کردن دانشگاه‌ها در تک‌تک دروس امتحان جامع و در مجموع دروس براساس نتایج این امتحان که به‌وسیله دبیرخانه آموزش علوم پایه وزارت بهداشت انجام می‌گیرد اقدامی است مفید که می‌توان مشوقی باشد برای دانشگاه‌هایی که در این آزمون رتبه‌های بالایی کسب می‌کنند و هشداری باشد برای آنانی که در رده‌های پائینی قرار می‌گیرند. این رده‌بندی اما در مورد درس زبان امتحان جامع به درستی عمل نمی‌کند و لذا نتایج صحیحی هم به دست نمی‌دهد چرا که بر مبنای میزان تلاش و موفقیت دانشجویان در یادگیری زبان در

دانشگاه تا زمان امتحان جامع می‌توان به مقدار زیادی نقص موجود در رده‌بندی فعلی دانشگاه‌ها در درس زبان امتحان جامع را رفع نمود. *سپاسگزاری*: این مقاله حاصل قسمتی از یک طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی است که در انجام آن از کمک‌ها و رهنمودهای آماری پرارزش آقای دکتر علی اکبر خادم معبودی استادیار گروه آمار حیاتی دانشکده پیراپزشکی بسیار بهره بردم که لازم می‌دانم از ایشان بسیار سپاسگزاری نمایم. همینطور رهنمودهای ذی قیمت همکاران و دوستان گرامی آقایان دکتر صمد سجادی دانشیار زبان انگلیسی در گروه زبان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دکتر احمد صبوری کاشانی، استادیار زبان انگلیسی در مرکز توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی تهران و دکتر علی مهبودی استادیار زبان انگلیسی گروه زبان دانشگاه علوم پزشکی شیراز اینجانب را در تهیه این مقاله بسیار یاری نمودند که سپاسگزاری از ایشان را بر خود لازم می‌دانم.

References

۱. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت آموزشی و امور دانشگاهی، دبیرخانه شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی: "آئین نامه شرایط شرکت دانشجویان پزشکی در امتحان جامع علوم پایه پزشکی: ۱۳۷۹.
۲. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت آموزشی، دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی، کمیته علوم پایه پزشکی و بهداشت. تجزیه و تحلیل آماری از نتایج امتحان جامع علوم پایه پزشکی: ۱۳۷۰.
۳. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت آموزشی و امور دانشگاهی خدمات ماشینی. تعداد، معدل و نمره استاندارد دروس مختلف امتحان جامع علوم پایه پزشکی دوره‌های ۱ تا ۳۳.

طول ۲/۵ سال اول تحصیلی صورت نمی‌گیرد. آزمون زبان امتحان جامع در حال حاضر به جای "آزمون موفقیت" به دلایلی به صورت "آزمون دانش کلی" (proficiency test) عمل می‌کند یعنی به جای ارزیابی میزان تلاش و موفقیت دانشجویان در یادگیری دروس زبان در طول دوره علوم پایه بیشتر به سنجش دانش کلی آنان در زبان در موقع امتحان جامع می‌پردازد و این دانش کلی در زبان نیز در مورد بسیاری از دانشجویان به مقدار زیادی حاصل تلاش و یادگیری آنان در زمانی پیش از ورود به دانشگاه می‌باشد و دانشگاه نقش اصلی در آن ندارد، و همین دانش کلی نیز در زبان بوده است که تاکنون مبنای رده‌بندی دانشگاه‌های در درس زبان امتحان جامع قرار داشته است. چنانچه رده‌بندی دانشگاه‌ها در درس زبان بر اساس روش‌های رده‌بندی پیشنهادی این پژوهش به‌ویژه روش آخر انجام گیرد- که عمدتاً مبتنی است بر سنجش و ارزیابی میزان تلاش و موفقیت دانشجویان هر دانشگاه در یادگیری دروس زبان از بدو ورود به

۴. نامه مورخ ۸/۳/۸۳، ۸۳/۷/۸، معاون محترم آموزشی و امور دانشگاهی وزارت بهداشت آقای دکتر کریمی به معاون محترم تحقیقاتی و فناوری وزارت بهداشت آقای دکتر ملک‌افضلی.
۵. حاجیان کریم. اعتبار پیش‌بینی دروس اختصاصی آزمون ورودی دانشگاه در موفقیت دانشجویان پزشکی در امتحان جامع علوم پایه. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین ۱۳۷۹: صفحات ۷ تا ۳۰.
6. Farhadi H, Jafarpour A, Birjandi P. Language skills testing: from theory to practice. SAMT, Tehran: 1994.

A critical study of ranking the medical universities according to their language scores in comprehensive medical basic sciences

Ahmadi M.*

Department of English
language school of
Paramedicine

Abstract

Background: Immediately after Comprehensive Medical Basic Sciences Examination (CMBSE), the secretariat of the Medical Basic Sciences Education Council (MBSEC) proceeds to rank medical universities according to the students' scores both in individual academic subjects such as biochemistry, English and in all subjects put together. This study believes that the method used in ranking the universities according to the students' English scores is not a proper method and thus doesn't provide accurate results.

Methods: Seven of the major and smaller universities were selected. The language scores of all the students admitted to the medical schools of these universities during 3 academic years of 1378 to 1381 (2426 students in all) in both CMBSE and National university Entrance Examination (NUEE) were obtained. The language scores of each students in NUEE and CMBSE were matched.

Results: A significant correlation (max. $R=69\%$, $P<0.004$ to min. $R=27\%$, $P<0.045$) was observed between these two grades in all universities studied. Moreover despite the secretariat's decision to calculate the scores and rank the universities in two separate groups of major and small universities, in some CMBSEs certain smaller universities were ranked in the group of major ones and in some others vice versa.

Conclusions: This has impaired the university ranking in the subject of English language. This study proposes two different ranking methods, that eliminate the present drawback in university ranking according to their student's English scores.

Keywords: Ministry of health and medical education; comprehensive medical basic sciences examination; english language; university ranking.

*Corresponding author
English language Department
School of Paramedicine
Darband Str., Ghods Square,
Tajrish, Tehran.
Tel: +98-21- 22352220
email: mjahmadi@yahoo.com